

تقویت «ایمان» و «امید» با کدام راهکارها؟

رهبر معظم انقلاب در بیانات اخیر شان، به ۲ عامل مؤثر در پیروزی نهضت امام خمینی (ره)، یعنی ایمان و امید اشاره کردند.

در گفت‌وگو با دکتر امیر حسین بانکی‌پور، عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی و دکتر حسن بنیانیان، مشاور این شورا

و از صاحب‌نظران حوزه فرهنگ و اندیشه، راهکارهای تقویت این ۲ شاخص راهبردی و عبور از چالش‌های پیش‌روی آن را بررسی کرده‌ایم



جواد نوائیان رودسری – رهبر معظم انقلاب، امسال، در سخنرانی سالروز رحلت امام خمینی (ره)، در حرم بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی ایران و در جمع پرشور مردان و زنانی که از سراسر کشور، برای گرامی‌داشت این روز در حرم امام (ره) اجتماع کرده‌بودند، ضمن بیان جلوه‌هایی از شخصیت الهی و سیاسی امام خمینی (ره)، به تحلیل چرایی و چگونگی توفیق بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در مسیر الهی‌اش پرداختند و به دو کلیدواژه راهبردی در حیات سیاسی امام (ره) که ضامن پیروزی و توفیق او بود، اشاره کردند؛ ایمان و امید: «نکته بعد، نکته مهمی است؛ آن نکته این است که ما از خودمان سؤال می‌کنیم که امام این کارهای بزرگ را به پشتیبانی و کمک کدام عامل سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری انجام داد؟ آن عاملی که توانست به امام کمک کند و امام را در این میدان پیش‌برد و او احساس خستگی نکند و بتواند این کارهای بزرگ را انجام بدهد و این کوه‌های بزرگ موانع را از سر راه بردارد، چه بود؟ امام، عامل کمک‌کننده سخت‌افزاری نداشت؛ نه پول داشت، نه ابزار تبلیغی

نقد «امیدزدا» یا نقد «امیدافزا»؟ مسئله این است!

دکتر امیر حسین بانکی‌پور
عضو حقیقی شورای عالی انقلاب فرهنگی

رهبر معظم انقلاب، شاخص‌های ایمان و امید را به عنوان دو نرم‌افزاری که حضرت امام (ره) با تکیه بر آن‌ها انقلاب اسلامی را به ثمر رساند، معرفی کرده‌اند؛ دو عاملی که برای پیشبرد اهداف انقلاب، توجه به آن‌ها و استفاده از ظرفیتی که ایجاد می‌کنند، ضروری است. در تحلیل نسبت میان این دو عامل، می‌توان گفت که ایمان، ریشه و مبنای شکل گرفتن امید است؛ و در واقع ایمان یک امر قلبی است و به رابطه انسان با خداوند باز می‌گردد. هر چه این ارتباط عمیق‌تر باشد، ایمان بیشتر تقویت می‌شود و به تبع آن، امید هم قوت بیشتری می‌یابد. در باره ایمان، مظاهر زیادی در جامعه قابل احصاست؛ از امور مناسکی و عبادی بگویی تا اخلاق دینی، البته در ارتباطات اجتماعی، آن‌چه به عنوان شاخص ایمان شناخته می‌شود، بیشتر امور مناسکی است، اما در روایات اسلامی، شاخص ایمان را اخلاق دینی معرفی کرده‌اند. منظور از اخلاق نیز، هم اخلاق اجتماعی و هم اخلاق فردی و خانوادگی است. بنابراین، یکی از راهکارهای تقویت ایمان، به عنوان تقویت‌کننده امید در جامعه، تقویت اخلاق در لایه‌های گوناگون اجتماع است. این امر، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارد و این‌گونه که برخی فکر می‌کنند نیست که جایگاه اخلاق در جامعه به طور طبیعی تقویت می‌شود و می‌توان آن را امری قطعی و حتمی قلمداد کرد. اگر نگاهی به سابقه تاریخی نهضت اسلامی امام خمینی (ره)، چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و چه در دوران دفاع مقدس ببیند، متوجه می‌شویم که برنامه‌ریزی برای تقویت جایگاه ایمان در این دوره‌ها، چقدر گسترده و مؤثر و مطابق نیاز زمان بوده است. رویکرد فعالیت‌های فرهنگی، در مدرسه، در مساجد و حتی جلسات خانگی، تقویت اخلاق و معرفت دینی هدف‌گذاری می‌شد. متأسفانه در روزگار ما، این مسئله تا حدی دچار کم‌مهری و کم‌توجهی شده است و قطعاً نیاز به یک برنامه‌ریزی گسترده و دقیق برای شکوفایی دارد. ما باید در حوزه تعلیم و تربیت، موضوع اخلاق و ایمان را به شکل اساسی و بنیادین مورد توجه قرار دهیم و جدی بگیریم. همان‌طور که رهبر انقلاب هم بارها اشاره کرده‌اند، اتفاق دشمنان انقلاب هم، همین منطقه، یعنی فضای ایمانی و اخلاقی مردم ایران را هدف می‌گیرند؛ اصلاً هدف اصلی تهاجم فرهنگی، زدودن ایمان آگاهانه از جامعه ماست. این که می‌بینیم طی سال‌های اخیر، رهبر انقلاب بر تقویت مباحث عبادی و اموری که باعث تقویت آن می‌شود، مانند اعتکاف، اردوهای راهیان نور و مانند این‌ها تأکید دارند، به همین دلیل است؛ باید ایمان آگاهانه مردم تقویت شود و



۶۶

ما باید در حوزه تعلیم و تربیت، موضوع اخلاق و ایمان را به شکل اساسی و بنیادین مورد توجه قرار دهیم و جدی بگیریم. همان‌طور که رهبر انقلاب هم بارها اشاره کرده‌اند، اتفاق دشمنان انقلاب هم، همین منطقه، یعنی فضای ایمانی و اخلاقی مردم ایران را هدف می‌گیرند؛ اصلاً هدف اصلی تهاجم فرهنگی، زدودن ایمان آگاهانه از جامعه ماست. این که می‌بینیم طی سال‌های اخیر، رهبر انقلاب بر تقویت مباحث عبادی و اموری که باعث تقویت آن می‌شود، مانند اعتکاف، اردوهای راهیان نور و مانند این‌ها تأکید دارند، به همین دلیل است

۶۶

گاهی مادر مسئله امیدافزایی، امید را با آرزو اشتباه می‌گیریم و آرزو را امید فرض می‌کنیم. آرزو امری تخیلی و متعلق به ذهن انسان است؛ افراد بدون این که کاری انجام بدهند در آرزوهای خودشان سیر می‌کنند، اما امید این‌گونه نیست؛ اصولاً امید در حرکت به وجود می‌آید، امید حرکت‌آفرین است، امید باعث برنامه‌ریزی دقیق، طراحی و تلاش می‌شود و در نهایت، شمارا به هدف مد نظر می‌رساند. امید واقعی، یعنی همین، امید توام با تدبیر و هدف روشن، موضوعی که رهبر معظم انقلاب نیز، در بیاناتشان بر آن تأکید داشتند. این‌جا لازم است اشاره‌ای هم به یکی از فضاهای مرتبط با این موضوع داشته باشیم و آن فضای نقد در رسانه‌های ماست. ببینید، گاه در رسانه‌های ما فضایی نقد چنان افراطی می‌شود که ناخواسته ابزار و وسیله ناامیدی را فراهم می‌کند. اشتباه نکنید! نمی‌خواهم بگویم رسانه نباید منتقد باشد؛ این‌طور نیست، نقادی بخشی از ذات رسانه است. برای اصلاح و پیشرفت، اهتمام به نقد ضروری است، اما نقادی که توام با امید باشد و ناامیدی را در جامعه تزریق نکند. نقد توام با امید چیست؟ نقد توام با امید، نقادی است که در آن شما هم از جنبه‌های منفی صحبت می‌کنی و هم از جنبه‌های مثبت یا اگر فقط روی جنبه‌های منفی تمرکز داری، درباره راهکار برون رفت از این فضا، پیشنهاد ارائه می‌کنی و به مخاطب می‌فهمانی که برای عبور از این مشکل، راه یا راه‌هایی وجود دارد و در بن‌بست گیر نکرده‌ایم. نقّادان باید همان‌طور که دغدغه نقد دارند، دغدغه ارائه راهکار هم داشته باشند. نکته دیگر در این زمینه، پیگیری است؛ من بارها به دوستان رسانه‌ای گفتم که وقتی نقدی را مطرح می‌کنید، مطالبه مردم را رسانه‌ای می‌کنید، به دنبال نتیجه این نقد هم بروید و اگر نقد شما به اصلاح انجامید، اطلاع‌رسانی کنید تا مردم مطلع شوند که به! مشکل حل شد و مطالبات آن‌ها به ثمر رسید. رهبر معظم انقلاب، طی چند دهه گذشته، نقد‌های زیادی را به مسئولان و عملکرد آن‌ها وارد کرده‌اند، اما هیچ‌وقت این نقدها، منجر به ایجاد بآس و ناامیدی در مخاطب نشده است؛ چرا؟ چون ایشان به موضوع بیان نکات مثبت در کنار انتقادات پایبند هستند. این شکل از انتقاد، اسباب ناامیدی و ترویج آن در جامعه نمی‌شود. ما نباید از نقد که یک حق مسلم در فضای رسانه است، ابزاری برای ترویج ناامیدی بسازیم. می‌توان با نقد در ست، اسباب اصلاحات را فراهم آورد و با همین رویکرد، بر ضریب امیدافزایی در جامعه افزود. موضوعی که اصحاب رسانه، به خصوص رسانه ملی، باید همواره آن‌را مد نظر قرار دهند.

۶۶

رهبر معظم انقلاب، طی چند دهه گذشته، نقدهای زیادی را به مسئولان و عملکرد آن‌ها وارد کرده‌اند، اما هیچ‌وقت این نقدها، منجر به ایجاد بآس و ناامیدی در مخاطب نشده است؛ چرا؟ چون ایشان به موضوع بیان نکات مثبت در کنار انتقادات پایبند هستند. این شکل از انتقاد، اسباب ناامیدی و ترویج آن در جامعه نمی‌شود

۶۶

رهبرانی که مسائل ذهنی‌شان فرهنگی است، به حضور باور‌ها و اعتقادات مردم در امر کشورداری وزن و بهای زیادی می‌دهند. تلاش عمده آن‌ها این است که از آمران دستور‌های حکومتی و تمرکز صرف بر امور حکمرانی فاصله بگیرند و مردم را به صحنه بیاورند. این ویژگی‌های خاص مقام معظم رهبری است و البته، از ویژگی‌های نظام ماست که در آن، رهبران با مردم کار دارند و در ارتباط با مردم، خودشان را به سلسله مراتب اداری محدود نمی‌کنند. بنابراین، جنس سخنان و عملکرد رهبر انقلاب، فرهنگی است. باتوجه به این موضوع است که ایشان، ضمن احاطه‌ای که بر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور دارند، به جزئیات هججه‌های فرهنگی دشمن هم توجه می‌کنند و می‌دانند که امروز، سرمایه‌گذاری دشمن روی ایمان‌زدایی و امیدزدایی در جامعه ما و به خصوص، جوانان و نوجوانان ماست. دفع این هجمه، البته کار یک ساختار خاص و مجزاد جامعه نیست؛ همه باید به میدان بیایند و مقام معظم رهبری هم، به این موضوع توجه ویژه دارند؛ مثلاً نگفته‌اند که امامان جمعه این کار را انجام بدهند یا مدیران فرهنگی چنین کنند، نه! همه را مخاطب قرار دادند. یعنی هر کس، در هر موقعیتی که قرار دارد، باید از ظرفیت خودش برای دوام راهبردی استفاده کند؛ نخست تقویت ایمان

۶۶

نکته دیگری که ما باید در بحث امیدواری به آن توجه کنیم، خاص بودن مخاطبان ماست؛ چرا می‌گوییم خاص؟ چون کسی که در فضای معلمی است و دچار ناامیدی شده است، یک سری مسائل را در ذهن دارد که شبیه مسائل ذهنی روحانی محبوب یک مسجد و معلمی که در مدرسه مورد توجه دانش‌آموزان است و ... همه این‌ها باید بیابند پای کار و برای تقویت ایمان و برانگیختن امید در میان مخاطبان خودشان تلاش کنند. چه اشکالی دارد اگر یک معلم که محل توجه بچه‌هاست، برای آن هاجسلات مداوم هفتگی بگذارد و دانش‌آموزان در این جلسات، ابهاماتشان را طرح و در باره آن‌ها بحث کنند؟ چه ایرادی دارد شما که در میان فامیل و خانواده، آدم محترم و مورد توجهی هستی، جلسه‌های منظمی بگذاری و به این کار بپردازی؟ چرا جلسات هیئت‌های مذهبی ما، نباید به کانونی برای پاسخگویی به نیازهای فکری جوانان تبدیل شود؟ نمی‌گویم فعالیت‌های اصلی جلسات، مثل قرائت قرآن و خواندن ادعیه را کنار بگذاریم، نه! حرفم این است که گردانندگان همین فضا، با مخاطبانی که دارند، باید دست به کار شوند و بعد از بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب، برنامه مدونی برای تقویت ایمان و امید داشته باشند. هر چه دایره مخاطبان گسترده‌تر شود، مسئولیت و طراخی روش‌مند برای این قضیه هم بیشتر و حساس‌تر می‌شود. در مسائل کلان و ویرسش‌های عمومی و گسترده، این رسانه‌ها و به ویژه رسانه ملی است که باید در مقام پاسخگویی، ابهام‌زدایی کند و باعث تقویت ایمان و امید شود. متأسفانه رسانه ملی ما، درک دقیقی از شرایط موجود و نیازهای آن ندارد و گاه، واقعاً نمی‌داند باید برای این قضیه چه برنامه‌ای داشته باشد. اجازه بدید این قضیه را با ذکر مثال

۶۶

این که یک مدیر ارشد یا وزیر، بیاید و برای جامعه عمل پوشاندن به مطالبه رهبری، یک روحانی خوش‌بین را بیاورد و به مجموعه خودش و از او بخواهد بین دو نماز، با صحبت‌های شیرینش، امید و ایمان افراد آن سازمان را تقویت کند، راه به جایی نمی‌برد

دکتر حسن بنیانیان
کارشناس و مشاور شورای عالی انقلاب فرهنگی

برای شما و مخاطبان‌تان شرح دهم؛ الان یک سری پرونده‌های فساد اقتصادی هست که شهرت فراوانی هم دارد. وقتی شما با جوانان ارتباط می‌گیرید، یکی از جهات ناامیدی آن‌ها، مسئله اخبار مربوط به همین پرونده‌هاست؛ بالاخره سر نوشت فلان اختلاس‌گر که می‌گفتند محکوم به اعدام شده است، چه شد؟! شما یک مجرمی را که در جریان اغتشاشات اخیر، مرتکب قتل و جنایت شده است، با سرعت محاکمه و حکم را درباره‌ی اجرای اعدامی کنید و دست شما هم درد نکند، اما حکم این آقای اختلاس‌گر، الان پنج سال، ۱۰ سال است که قرار است اجرا شود، ولی خبری به مانمی‌رسد! این یک ایراد بزرگ است و معلوم می‌شود که مسئولان ما، در رسانه ملی با نُه‌ا‌هایی که باید پاسخگو باشند، حواسشان به افکار عمومی نیست و به این مسئله که باز تاب چنین مباحثی از کانال ارتباطی دشمن، چه بر سر روح و روان جوانان ما می‌آورد، توجهی ندارند. نکته دیگری که ما باید در بحث امیدواری به آن توجه کنیم، خاص بودن مخاطبان ماست؛ چرا می‌گوییم خاص؟ چون کسی که در فضای معلمی است و دچار ناامیدی شده است، یک سری مسائل را در ذهن دارد که شبیه مسائل ذهنی کارگری که در کارخانه کار می‌کند، نیست. مسائلی که باعث ایجاد ناامیدی در افراد می‌شود، با هم فرق دارد. این‌جا باید برویم به سراغ مدیران در سلسله مراتب حکومتی و به آن‌ها بگوییم که باید متناسب با حوزه فعالیت خودتان، کار فرهنگی و عملی خاص برای زدودن افکار ناامیدانه از ذهن مخاطبان داشته باشید. این که یک مدیر ارشد یا وزیر، بیاید و برای جامه عمل پوشاندن به مطالبه رهبری، یک روحانی خوش‌بین را بیاورد و به مجموعه خودش و از او بخواهد بین دو نماز، با صحبت‌های شیرینش، امید و ایمان افراد آن سازمان را تقویت کند، راه به جایی نمی‌برد. درست است که از نظر جنبه عمومی، ر رسانه ملی و دیگر رسانه‌ها باید بیایند پای کار، اما جنبه اختصاصی این قضیه، کار این‌ها نیست، مسئولان متخصص یک مجموعه باید طرح داشته باشند. به عنوان نمونه، کشاورزی در گیر مسئله آب است، ناامیدی به او هجوم آورده و نسبت به آینده احساس خوبی ندارد. عامل ناامیدی این کشاورز، بحران آب و فقدان پیش‌بینی برای شرایط حاد پیش روست. کار تزریق امید به این آدم را یک روحانی نمی‌تواند انجام بدهد. این‌جا باید یک متخصص کشاورزی و امور آب که به وضعیت منطقه هم اشراف دارد، بیاید و مشکل ذهنی این کشاورز را حل کند؛ اگر آب تا چند سال بعد تمام می‌شود، راهکار پیش‌پای او بگذارد تا این فرد را به آینده امیدوار کند. اگر چنین رویکرد تخصصی به قضیه امیدافزایی نداشته باشیم، آن‌وقت خیلی از اقدامات فرهنگی ما می‌تواند نتیجه مدنظر ما را در پی نداشته باشد.



همان‌طور که می‌دانید، رهبر معظم انقلاب از جهت اشراف بر مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و ارتباط این مباحث با حوزه‌روابط بین‌الملل، شخصیتی استثنایی هستند؛ با این حال، نگاه ایشان به بیشتر مباحث، نگاهی فرهنگی است. رهبرانی که مسائل ذهنی‌شان فرهنگی است، به حضور باور‌ها و اعتقادات مردم در امر کشورداری وزن و بهای زیادی می‌دهند. تلاش عمده آن‌ها این است که از آمران دستور‌های حکومتی و تمرکز صرف بر امور حکمرانی فاصله بگیرند و مردم را به صحنه بیاورند. این ویژگی‌های خاص مقام معظم رهبری است و البته، از ویژگی‌های نظام ماست که در آن، رهبران با مردم کار دارند و در ارتباط با مردم، خودشان را به سلسله مراتب اداری محدود نمی‌کنند. بنابراین، جنس سخنان و عملکرد رهبر انقلاب، فرهنگی است. باتوجه به این موضوع است که ایشان، ضمن احاطه‌ای که بر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور دارند، به جزئیات هججه‌های فرهنگی دشمن هم توجه می‌کنند و می‌دانند که امروز، سرمایه‌گذاری دشمن روی ایمان‌زدایی و امیدزدایی در جامعه ما و به خصوص، جوانان و نوجوانان ماست. دفع این هجمه، البته کار یک ساختار خاص و مجزاد جامعه نیست؛ همه باید به میدان بیایند و مقام معظم رهبری هم، به این موضوع توجه ویژه دارند؛ مثلاً نگفته‌اند که امامان جمعه این کار را انجام بدهند یا مدیران فرهنگی چنین کنند، نه! همه را مخاطب قرار دادند. یعنی هر کس، در هر موقعیتی که قرار دارد، باید از ظرفیت خودش برای دوام راهبردی استفاده کند؛ نخست تقویت ایمان در مخاطب و دوم، برانگیختن امیدواری در او. این تلاش در آحاد مختلف جامعه باید محل توجه باشد؛ از آن‌پدری که در خانواده‌اش محل توجه و الگوگیری فرزندان است تا فرد صاحب‌نفوذ در یک محله یا روحانی محبوب یک مسجد و معلمی که در مدرسه مورد توجه دانش‌آموزان است و ... همه این‌ها باید بیابند پای کار و برای تقویت ایمان و برانگیختن امید در میان مخاطبان خودشان تلاش کنند. چه اشکالی دارد اگر یک معلم که محل توجه بچه‌هاست، برای آن هاجسلات مداوم هفتگی بگذارد و دانش‌آموزان در این جلسات، ابهاماتشان را طرح و در باره آن‌ها بحث کنند؟ چه ایرادی دارد شما که در میان فامیل و خانواده، آدم محترم و مورد توجهی هستی، جلسه‌های منظمی بگذاری و به این کار بپردازی؟ چرا جلسات هیئت‌های مذهبی ما، نباید به کانونی برای پاسخگویی به نیازهای فکری جوانان تبدیل شود؟ نمی‌گویم فعالیت‌های اصلی جلسات، مثل قرائت قرآن و خواندن ادعیه را کنار بگذاریم، نه! حرفم این است که گردانندگان همین فضا، با مخاطبانی که دارند، باید دست به کار شوند و بعد از بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب، برنامه مدونی برای تقویت ایمان و امید داشته باشند. هر چه دایره مخاطبان گسترده‌تر شود، مسئولیت و طراخی روش‌مند برای این قضیه هم بیشتر و حساس‌تر می‌شود. در مسائل کلان و ویرسش‌های عمومی و گسترده، این رسانه‌ها و به ویژه رسانه ملی است که باید در مقام پاسخگویی، ابهام‌زدایی کند و باعث تقویت ایمان و امید شود. متأسفانه رسانه ملی ما، درک دقیقی از شرایط موجود و نیازهای آن ندارد و گاه، واقعاً نمی‌داند باید برای این قضیه چه برنامه‌ای داشته باشد. اجازه بدید این قضیه را با ذکر مثال